

پایان یک آغاز!

حسن رحمان پناه

سرانجام بعد از ۲۱ روز یورش سنگین هوایی و موشک باران نقاط مختلف اداری، نظامی، مکانهای دولتی و محلات مسکونی شهرهای بزرگ عراق و یورش نظامی زمینی نیروهای آمریکای و انگلیسی حکومت مستبد بغداد از هم فروپاشید. در این جنگ بیرحمانه هزاران تن از زنان، کودکان، افراد سالمند و مریض جانباختند و شمار بیشتری معلول و زندگی و هست و نیست خود را از دست دادند.

غارت ادارات و مراکز دولتی به منازل و مراکز عمومی از جمله کتابخانه ها، موزه و بیمارستانها نیز کشیده شد. سربازان آمریکای و انگلیسی نظارگر این وضعیت بودند و این در واقع بخشی از نقشه آنها برای ویران کردن زیر ساخت اقتصادی این کشور بود و این مسئله قبل از شروع جنگ خود یکی از دلایل مخالفین جنگ با حمله آمریکا و انگلیس به عراق بود.

هنوز خبری از کشته یا دستگیری مقامات بالای حزب بعث یا دولتمردان مستبد این کشور به جز چند نفر محدود در دست نیست. این در شرایطی است که دهها هزار تن از مردم عادی این کشور در خاک و خون غلتیدند.

امروز دیگر کمتر کسی تردید دارد که حزب بعث و رهبران آن تا هنگام حمله عراق به کویت سالها مورد حمایت دولت آمریکا بودند. در سالهای دهه هفتاد جنبش کردستان عراق را با همکاری شاه ایران در پیشگاه رژیم بعث عراق قربانی کردند. قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ با تأیید و پشتیبانی آمریکا بسته شد. این قرارداد ضد مردمی به دولت های ایران و عراق اجازه می داد که هرکدام بیست کیلومتر از مرز به داخل کشور خود را بعنوان کمربند امنیتی از سکنه خالی و به سر زمین سوخته تبدیل کنند. رویدادهای داخلی ایران و متقابلاً سرنگونی رژیم سلطنتی اجازه اجرای این طرح را به رژیم شاه در کردستان نداد. اما حکومت بعث در کردستان عراق این طرح وحشیانه را پیاده کرد. هزاران روستا با خاک یکسان شدند. سرچشمه ها را

خشکاندند، هر چیزی را که نشانی از آبادی و حیات داشت در این منطقه از بین بردند، صدها هزار نفر را آواره کردند و در مجتمع‌های در اطراف چند جاده اصلی عملاً زندانی کردند. دولت آمریکا و دستگاه‌های تبلیغاتی وابسته‌اش چشم بر بمباران شیمیایی شهر حلبچه در ماه‌های آخر جنگ ایران و عراق بستند و عملاً دست رژیم عراق را در ادامه جنایتهایش بر علیه مردم کرد باز نگاه داشتند.

چراغ سبز آمریکا به عراق جهت حمله به کویت تحت عنوان «مشکلات دنیای عرب باید توسط خود کشورهای عربی حل و فصل شود»، جنگ اول خلیج در سال ۱۹۹۱ و کشتار چند صد هزار انسان را در عراق در پی داشت. وقتی که قیام مردم کردستان و خیزش مناطق جنوب، حکومت بغداد را در سرایش سقوط قرار داد این کاخ سفید و بوش اول بودند که زیر بال حاکمان در حال زوال عراق را گرفتند و با صدور مجوز کشتار مردم عراق در شمال و جنوب و مرکز توسط نیروهای ویژه گارد ریاست جمهوری و اجازه پرواز هلیکوپترهای کشتار آنها، حکومت بعث را از مرگ حتمی نجات دادند. حاصل آن سیاست ضد انسانی ۱۲ سال حاکمیت مستبدانه همراه با قتل و کشتار مردم عراق توسط حکام مستبد آن کشور و محاصره اقتصادی مردم محروم آن دیار توسط سازمان ملل و در رأس آنها آمریکا بود که به تلف شدن صدها هزار انسان ستم‌دیده بخصوص کودکان آن کشور منجر شد.

دولت آمریکا در طول حیات این رژیم چه در سرکوب جنبش عدالت خواهانه مردم کردستان، چه در جنگ با ایران و چه در جنگ اول خلیج و دوازده سال تحمیل محاصره اقتصادی و سرکوب مبارزات آزادیخواهانه مردم این کشور برای رهایی از ستم حکومت مرکزی مسئولیت درجه اول در نجات دیکتاتوری حزب بعث را از تنگنانهایی که بدان دچار می‌شد، بر عهده داشت.

کسانیکه امروز در عمل و یا در نظر به طرفداران پر و پا قرص آمریکا تبدیل شده اند و آمریکا نجات بخش مردم کرد میدانند، آگاهانه این تاریخ و این واقعیات را قلم می‌گیرند. کسانی که از گذشته درس نگیرند در آینده نیز فریب خواهند خورد.

جنگ اخیر و پایان کار حکومت ستم کار حزب بعث، بر خلاف آنچه که تبلیغ میشود نه برای ایجاد دموکراسی و آزادی برای مردم عراق و نه نابودی سلاحهای کشتار جمعی و نه علیه تروریسم و حامیان جهانی آن، بلکه در اساس برای جاری کردن خونی تازه در رگهای انسداد یافته اقتصاد

آمریکا و جهان سرمایه‌داری است . در این راستا تثبیت هژمونی و ابرقدرتی مطلق آمریکا در جهان چند قطبی کنونی که از هر زمان دیگری بیشتر قدرقدرتی ژاندارم آن چه توسط قطب‌های رقیب و چه بوسیله مردم آزادیخواه و ضد سرمایه‌داری هر کدام با نیتی، به زیر سوال رفته است جزو ضروریات ادامه حیات این ابر قدرت است . بوی خوش نفت و دستیابی به طلاسیاه در درجه بعدی اهداف لشکرکشی آمریکا به منطقه قرار دارد .

امروز چه در سطح جهانی و در عرصه رقابت‌های اقتصادی ضعف ایالات متحده آمریکا آشکارا دیده میشود. سیاستگزاران این کشور قصد دارند این کمبود را با برتری مطلق نظامی خود در عرصه بین‌المللی جبران کنند .

شکست عراق در جنگ با آمریکا قابل پیش‌بینی و حتمی بود. کشوری که هر نقطه آن بعنوان اهداف نظامی همچون سیبل و بدون هیچگونه حفاظتی در مقابل موشک‌های دوربرد و چند تنی و بمب‌های با قدرت تخریب بسیار عظیم مورد هدف قرار گرفته بود، معلوم بود ناپدید خواهد شد و راهی جز شکست و تسلیم نداشت. از سوی دیگر واضح بود که آمریکا در این جنگ باید پیروز می‌شد. سیاستگذاران کاخ سفید تأکید کرده بودند که از هر وسیله ممکن برای پیروزی استفاده خواهند کرد. بوش صراحتاً اعلام کرد که آمریکا از هر وسیله‌ای برای پیروزی استفاده خواهد کرد. اما مقاومت بسیار ضعیف ارتش عراق به جز روزهای اول جنگ و ناپدید شدن مقامات اصلی حکومتی و حزبی و ارتشی عراق جای تردیدهای بسیاری برای توافقات پشت پرده میان برندگان و بازندگان جنگ دوم عراق برجای گذاشته است .

شکی نیست که عدم حمایت مردم از نظام ضد مردمی و نامشروع بعث باعث شد که تجربه ویتنام در عراق تکرار نشود. کسانی که بر دریای نفرت مردم حکومت میکردند واضح بود که نمیتوانستند توسط همان مردم مورد حمایت قرار گیرند.

اما سوال اصلی این است کسانی که در داخل کشور خود از مشروعیت و نفوذ مردمی برخوردار نبودند و توسط بزرگترین ارتش جهان با مجهزترین عینک‌های جاسوسی زمینی و هوایی تحت مراقبت بودند چگونه با خاموش کردن روشنایی بغداد برای چند ساعت از روی زمین محو شدند؟!

با ناپدید شدن سران حکومت بعث جنگ تقریباً پایان یافت. آنچه پایان یافت مرحله اول جنگ و

یا به بیان دیگر ساده‌ترین مرحله آن بود. آمریکا و انگلیس پیروزی خود را در این جنگ جشن گرفتند. اما شادی این جشن و سرکشیدن گیل‌سهای پیروزی بوش و بلر که از خون مردم زجر کشیده عراق پر شده بود نوید مشکلات و گرفتاریهای تازه‌ای برای مردم ستم‌دیده عراق در پی دارد.

طبق برآوردها، بیش از صد میلیارد دلار خسارت به زیر ساخت اقتصادی عراق وارد شده است. در آغاز عملیات سردمداران کاخ سفید این جنگ را "جنگ تمیز" نامگذاری کردند. اما به نوشته روزنامه تایم بیش از ۱۲ هزار نفر در این جنگ کثیف جان خود را از دست دادند. آمریکا اعلام داشت حاضر نیست آماری از تلفات غیر نظامی در عراق ارائه دهد. دلیل خودداری آمریکا از ارائه چنین گزارشی از طرفی ناشی از بی اهمیت بودن جان انسانها برای حاکمان مستبد این کشور است که در پشت شعار دروغین دفاع از دموکراسی و حقوق بشر خود را مخفی کرده‌اند و از سوی دیگر به دلیل وحشت از شدت گرفتن اعتراض و نارضایتی افکار مترقی، صلح خواه و ضد جنگ به جنگ تمیز آقای بوش و بلر است که از روز اول آن را بعنوان جنگ کثیف و خون‌آلود افشا و محکوم کردند.

بعد از پایین کشیده شدن مجسمه‌های دیکتاتور عراق غارت عمومی در جلو چشم سربازان آمریکای و انگلیسی و دوربین‌های خبرنگاران آغاز شد. مکانهای خدمت‌گذاری از جمله درمانگاهها، بیمارستانها، داروخانه‌ها نیز تاراج شده‌ند. در کنار این مراکز موزه‌ها و کتابخانه‌ها و دیگر مراکز علمی و فرهنگی عراق که قدمت هزاران ساله داشتند و بخشی از دست‌آوردهای کار و زحمت بشریت تحول بخش تاکنونی به حساب می‌آمدند به یغما رفتند. شکی نیست که تاراج آثار گرانبها و قدیمی این کشور، کتابخانه‌ها و موزه‌ها کار مردم گرسنه و محروم و ضد ستمگر نبود، بلکه کار مافیای طمع‌کار و سازمانیافته‌ای بود که تصمیم به نابودی ساکنان آن کشور بلازده و ثروتهای آنان داشتند.

سربازان "آزادبخش" آمریکا و انگلیس اجازه تاراج خرده وسایل دکانها و بیمارستانها و مراکز خدمت‌گذاری عمومی را به مردم عادی و گرسنه دادند تا همکاران مافیای آنها، دزدان آشکار و پنهان ثروتهای مردم عراق به راحتی مأموریت‌های خود را انجام دهند. از سوی دیگر آنها با نشان دادن غارت و یغمای وسایل عادی توسط مردم گرسنه از صفحه تلویزیونهای سی.ان.ان و بی بی

سی آشکارا میخواستند نشان دهند که مردم عراق جاهل، عقب مانده و بی فرهنگ هستند و دمکراسی آمریکای چه نعمت و بخششی است که توسط آقای بوش با بمب‌های خوشه‌ای برای آنها به ارمغان آورده میشود .

در هر حال ، اکنون کشوری ویران با اقتصادی فلج، ویرانه‌های عظیم جنگ، هزاران کشته و مجروح و ناپدید ، بروز اختلافات و نزاعهای ملی و مذهبی و عشیره‌ای ، حضور هزاران سرباز اشغالگر از شمال تا جنوب ، اعلام طرحهای طمع‌کارانه و ضد انسانی توسط قدرتهای غالب امپریالیستی، بروز اعتراضات مذهبی که تهدید جدی نه فقط برای عراق بلکه برای کل منطقه است و دهها مشکل و معضل دیگر آن کابوس وحشتناکی است که بر سر مردم عراق سنگینی میکند .

اگر رژیم دیکتاتوری بعث با پنجه آهنین بر مردم ستمدیده این کشور حاکمیت میکرد و هر صدای آزادیخواهانه‌ای را در گلو خفه میکرد، اکنون نیروهای اشغالگر با ویران کردن این کشور و از هم پاشیدن شیرازه زندگی میلیونها انسان زجر دیده، با غارت و چپاول این کشور و وابسته کردن آن به خود ، با دمیدن در نزاعهای ملی و مذهبی، نه تنها در راه دمکراتیزه کردن این کشور گام برنمیدارند، بلکه آینده تاریکی را برای مردم این کشور تدارک دیده‌اند . حضور آمریکا در عراق سر آغاز بدبختی و محرومیت و جنگ و کشتار بیشتر مردم عراق است نه پایان آن.

راه نجات از این کابوس ، تنها با اراده آگاهانه مردم سازمانیافته این کشور در نهادهای انتخابی ، مردمی و دخالت مستقیم در تصمیم‌گیری و حضور در میدان سیاسی ممکن است که بر بنیاد شوراها و دیگر نهادهای آزاد و انقلابی استوار باشد .